

نسل کشی ملت فلسطین



آلن پاپیه

برگردان احمد مزارعی

مقدمه مترجم: مطلب زیر ترجمه ای از مقدمه کتاب « نسل کشی ملت فلسطین» است که توسط دکتر آلن پاپیه تاریخدان اسرائیلی به رشته تحریر درآمده است. وی شهروند اسرائیل، یهودی و آلمانی الاصل می باشد که استاد مرکز « مطالعات خاورمیانه» در دانشگاه حیفا و رئیس هیئت امنای « انستیتوی امیل توما، برای مطالعات مسائل اسرائیل و فلسطین» در همین دانشگاه بوده است. وی یکی از پیشروترین استادان دانشگاه به حساب می آمد و تالیف کتابی تحت عنوان « جدل میان اعراب و اسرائیل در سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱» دلیل شخصیت برجسته این استاد است. اما تفکرات و شیوه عملکرد این استاد مورد قبول مسئولان دانشگاه حیفا نبود. آلن پاپیه در سال ۲۰۰۷، دانشنامه یک تاریخ نویس اسرائیلی بنام «تیدی کاتس» را که در مورد قتل عام روستای طنظوره به پایان برده بود را مورد تأیید قرار داد، اما روسای دانشگاه حیفا « تیدی کاتس » را مجبور به پس گرفتن دانشنامه خود و وادار به عذرخواهی نمودند. همچنین در این رابطه، دکتر آلن پاپیه را نیز از تدریس در دانشگاه خلع نمودند. اما حمایت دانشمندان و آکادمیسین های جهانی از پاپیه، بویژه حمایت استادان دانشگاههای انگلستان از پاپیه، و بدنبال آن تحریم دانشگاه حیفا از سوی این استادان، مسئولین دانشگاه حیفا را وادار نمود تا از تصمیم خود عدول نمایند. با این حال آلن پاپیه اسرائیل را ترک نمود و در انگلیس اقامت گزید. هم اکنون وی بغیر از تدریس در دانشگاههای انگلیس، به فعالیت های گسترده ای به همراه نیروهای ترقیخواه فلسطینی و بین المللی برای کمک به مردم فلسطین مشغول است.

نسل کشی ملت فلسطین

در تاریخ دهم مارس سال ۱۹۴۸، ۱۱ نفر از رهبران قدیمی صهیونیست که در میان آنها دو افسر جوان نیز دیده می شدند، آخرین جرح و تعدیل ها را در برنامه ای که به قصد «نسل کشی فلسطینی ها» تنظیم کرده بودند، بعمل آوردند. همان شب اینان فرمان خود را به واحدهای نظامی ارسال داشته تا برای انجام عملی این برنامه در مناطق وسیعی آماده شوند.

به همراه این فرمان ها، همچنین شیوه انجام کار نیز به طور دقیق توضیح داده شده بود که از چه شیوه هایی استفاده نمایند تا مردم را مجبور به ترک خانه هایشان نمایند و با ایجاد وحشت گسترده در میان ساکنان، محاصره و بمباران روستاها و مراکز مسکونی مردم، سوزاندن خانه ها، سوزاندن املاک و کالاهایشان، تخریب موسسات و مراکز کار و در نهایت مین گذاری روستاهای خراب شده، اهالی را وادار به ترک روستا نموده تا حدیکه جرات بازگشت به روستاهای مخروبه را نداشته باشند. بهر یک از واحدهای نظامی لیستی از روستاها و مناطقی که باید تخریب می شدند، داده شده بود که بر اساس برنامه ای که از قبل تنظیم شده بود مطابقت داشت. این برنامه نسل کشی نام اختصاری «دات» بر خود داشت و چهارمین نسخه و در عین حال نسخه پایانی و توافق شده ای بود که با تفصیلات دقیق برنامه ای را که صهیونیست ها برای نابودی فلسطین و ساکنان اصلی آن داشتند، در بر می گرفت. «سمحا فلایان» که از تاریخ نویسان اولیه اسرائیل است در اهمیت نقشه های فوق توضیحات کاملی در کتاب خود آورده است. وی در قسمتی از کتابش چنین می نویسد: “حمله نظامی بر علیه اعراب و در عین حال حمله به نقاط روستایی تماما در نقشه ای که بوسیله «هاگانا» تنظیم شده بود شرح داده شده است. هدف این نقشه نابودی همه مراکز روستایی و شهری فلسطینی ها بود.”

این برنامه برگرفته از ایدئولوژی صهیونیستی بود که بر مبنای آن سرزمین فلسطین را متعلق به یهودیان می دانست. زدوخوردهایی که در مراحل بعدی با فلسطینی ها انجام می دادند به هدف ایجاد سرزمینی یهودی بود که کاملاً خالی از فلسطینی ها باشد. قبل از مارس ۱۹۴۸، زدو خوردهایی مابین یهودیان و فلسطینیان انجام می گرفت که حالت های فردی و انتقام جویانه داشت. اما پس از این تاریخ و با توافق بر سر نقشه «دات» از این پس جنگ بر علیه فلسطینی ها حالت نسل کشی و پاک کردن سرزمین یهود از وجود آنان در کل سرزمین فلسطین می شد. بعد از توافق کامل بر انجام برنامه «دات» و اجرای عملیات که به مدت شش ماه بطول انجامید، نیمی از مردم فلسطین یعنی ۸۰۰۰۰۰ نفر یا کشته شده بودند و یا به زور از سرزمین خود رانده شدند. ۵۳۱ روستا بطور کامل نابود و ۱۱ شهر از ساکنانش خالی شد. برنامه «دات» نشاندهنده آشکار نسل کشی و در دنیای امروز از نظر قانون بین المللی بعنوان «جنایت علیه بشریت» محسوب می گردد.

پس از واقعه هولوکاست در اروپا، انعکاس جهانی آن جنایت های شنیع ضد انسانی را نمی شود پنهان کرد هم اکنون و با انقلاب در شیوه اطلاع رسانی در سطح جهانی نمی توان جنایات و فجایعی که در این و یا در آن گوشه جهان انجام گرفته را مخفی نمود. اما با وجود تمامی اینها، نسل کشی عظیمی که در حق مردم فلسطین انجام گرفته، بطور کلی از اذهان جهانیان محو شده است. در اینجا منظور من جنایت نسل کشی مردم فلسطین در سال ۱۹۴۸ می باشد که باید آنرا افشا نمود. این فاجعه عظیم و در عین حال تعیین کننده که دارای اهمیت عظیمی در تاریخ ملت فلسطین است، بطور سیستماتیک و دقیق مورد انکار قرار گرفته و اجازه داده نمی شود که کسی به این حقیقت تاریخی اعتراف نماید و بشرح آن بپردازد، در صورتیکه ما موظفیم به لحاظ اخلاقی و سیاسی با این حقیقت شجاعانه روبرو شویم.

اسرائیلی ها قصه ای را ساخته اند مبنی بر اینکه “مردم فلسطین بنا به میل خود روستاها و شهرهای خود را یا فروخته و یا ترک کرده اند تا سربازان عرب بیایند و با یهودیان به جنگ پرداخته و دولت اسرائیل را نابود کنند.”

تاریخ نویسان فلسطینی و در پیشاپیش آنها آقای ولید خالدی در سالهای ۱۹۷۰، توانست با جمع آوری خاطرات و یادداشت های اصلی متعلق به هموطنان آواره اش بخشی از تاریخی را که صهیونیست ها در صدد محو کردنش بودند، زنده کند. اما دولت اسرائیل بسرعت دست بکار شد و کتابهایی در رد آقای خالدی در اسرائیل به چاپ رسید تا قادر باشند بر حقیقت نسل کشی مردم فلسطین سرپوش بگذارند. از جمله می توان از کتابی بنام “تحریر” ۱۹۴۸، نوشته آزمو لسی و کتاب دیگری نوشته دان کورتسمان که در ۱۹۷۰ به چاپ رسید و در سال ۱۹۹۲ دوباره تجدید چاپ شد، نام برد. هدف این

کتاب ها سرپوش گذاشتن بر جنایات واقع شده بر فلسطینیان بود . اما در اسرائیل کم نبودند کسانی که به دفاع از حقیقت برخاستند از جمله اینان می توان از مایکل پالمبو یاد کرد که کتابی تحت عنوان “ نابودی فلسطینیان “ *Palestinian Catastrophe* ، تألیف و در سال ۱۹۸۷ منتشر کرد. وی در کتاب خود صحت نوشته های ولید خالدی را بر اساس اسناد سازمان ملل مورد تأیید قرار داد. بویژه در کتاب وی از مصاحبه هایی استفاده شده که در همان سالها با آواره گان فلسطینی تهیه شده است .

اما می توان گفت امکان پیشروی بهتر در کشف حقیقت نسل کشی فلسطینی ها در سالهای ۱۹۸۰ بوجود آمد که عده ای در اسرائیل تحت نام “ تاریخ جدید“ در نظر داشتند تاریخ نگاری خود را از دیدگاه صهیونیستی ارائه دهند و من نیز جزو آنان بودم . اما می گویم که تاریخ نگاران جدید ، ما کوشش داشتیم به مسئله نسل کشی کاری نداشته باشیم و تنها به مسئله نکبت مردم بپردازیم. این گروه تازه تاریخ نگار به این دروغ سخیف دولت اسرائیل پی نبرده بودند که فلسطینی ها به میل خود سرزمین خود را ترک نکرده اند، ما در حین کار این دروغ بزرگ را از درون آرشیوهای ارتش اسرائیل کشف کردیم. ما به این نتیجه رسیدیم که فلسطینی ها با زور از روستاها و شهرهای خود رانده شده و نیروهای مسلح در این امر دست به اعمال گسترده قتل و جنایت زده اند. در اینجا ما تنها نیاز به شرح وقایع به شیوه داستانسرای نداریم آنچه که تاریخ نویسانی همچون « بنی موریس» انجام می دهند. ما باید دورتر رفته و حوادث را ریشه یابی کنیم . ما تاکنون نیمی از راه را رفته ایم . ما ریشه های واقعی مبارزه میان اسرائیلی ها و فلسطینی ها را باید بطور دقیق بررسی کنیم و این به لحاظ اخلاقی برای ما امر واجبی است. ما باید به این سوال پاسخ دهیم که چرا همچنان وقوع فاجعه نسل کشی فلسطینیان انکار می شود. در این زمینه کتاب ولید خالدی تحت عنوان « از یادمان نرود» ، کتابیست مستند از تک تک روستاهای تخریب شده که بطور دقیق به رشته تحریر درآمده است. این کتاب سند مستحکمی است از وقایع سالهای ۱۹۴۸ که بعنوان ابزاری مهم برای توضیح حجم عظیم واقعه نکبت در زندگی مردم فلسطین و نسل کشی آنان می تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اما در کتاب حاضر کوشش فراوان و دقیقی بکار برده شده که ریشه های نسل کشی توضیح داده شود همچنین به منظومه کاملی از اطلاعات می توان دست یافت که چگونه اجازه داده شد تا جهانیان این نسل کشی را که در حق مردم فلسطین انجام گرفته فراموش کنند و مرتکبین این جنایات براحتی از دیده ها پنهان مانده اند.

هنگامیکه جنبش صهیونیستی دولت خود را در فلسطین تشکیل داد، آنان وارد جنگی نشدند تا اجزایی را از سرزمین فلسطین اشغال کنند، بلکه هدف آنان پاک کردن سرزمین فلسطین از تمام ساکنان اولیه آن بود تا بتوانند دولتی یهودی آنچه که در ایدئولوژی صهیونیستی آمده بود بوجود آورند. اینست راز سر به مهر نسل کشی مردم فلسطین. اما طرح این حقیقت از نظر بسیاری به مثابه اتهام در نظر گرفته می شود، زیرا با بسیاری از روایاتی که اسرائیلی ها از سالهای ۱۹۴۸ انتشار داده اند مغایر است.

من شخصا ژنرال های اسرائیلی و همه کسانی که به این اعمال شنیع دست زده اند را بعنوان جنایتکارانی که به نسل کشی دست زده اند متهم می کنم .

من متهم کننده هستم. اما من در عین حال بخشی از جامعه اسرائیل و از تدوین کنندگان این کتاب هستم و احساس می کنم که بخشی از داستانم، و در مورد وقایعی که اتفاق افتاده احساس مسئولیت می کنم. من همچون بسیاری دیگر که در این جامعه هستیم قانع شده ایم که باید به بازگشت برای کشف حقیقت تن در دهیم و این تنها راه درست پیشرفت بسوی آینده است، در آن صورت است که ما می توانیم جامعه ای سعادت مند برای خود و فلسطینی ها بسازیم. طی کردن این راه بسیار ضروری است و هدف من از تألیف این کتاب همینست.

تا آنجا که می دانم تاکنون کسی قبل از من تعریف درستی از دو نوع روایت از حوادث نسل کشی سال ۱۹۴۸ بدست نداده است. اسرائیلی ها مدعی اند مردم فلسطین بنا به میل خود سرزمین فلسطین را ترک کرده اند، از آنسو فلسطینی ها نیز تعریف خود از نکبت را به شیوه درستی بیان نمی دارند. آنان بیشتر به تعریف و توصیف دردها و رنج های خود پرداخته اند. آنان به این مسئله نمی پردازند که چه کسانی و با چه اهدافی به این اعمال دست زده اند. در حال حاضر اینچنین شده که فلسطینی ها شرح دردهای خود را در مقابل هولوکاست یهودیان مطرح می کنند. روشن نکردن و ریشه یابی نکردن نسل کشی فلسطینیان به آنجا منجر می شود تا جهانیان آنچه را که در سالهای ۱۹۴۸ در فلسطین اتفاق افتاده را انکار کنند و در نتیجه این مسئله مهم از انظار پنهان مانده است.

در کشور من اسرائیل، رهبران چنین می گویند که “ بیگانگان نمی توانند بفهمند، زیرا این داستان بسیار پیچیده است و ضرورت شرح آن هم نیست و نباید به آنان اجازه داد تا برای حل این مشکل در امور ما دخالت کنند. اگر کسانی در جهان نظریه و تعریف ما از حوادث آن سالها را فهمیده اند، همین اندازه کافیهست. ما خود را ملتی پیشرفته و متمدن می دانیم و می دانیم که چگونه با فلسطینی ها برخورد کرده و حقوق آنها را رعایت کنیم. فلسطینی ها در هر جهت بخش کوچکی از دنیای عرب غیرمتمدن و منفعل می باشند.”

از زمانیکه آمریکائی ها این نظریه دولت اسرائیل را پذیرفته اند، که تحلیلی بسیار تحریف شده و نادرست است، ما در ذهنیت خود، به صلح دست یافته ایم که من در اینجا باید بگویم ما با این سیاست به جایی نخواهیم رسید زیرا اساس مسئله را ندیده می گیریم .

داستان حوادث سالهای ۱۹۴۸ زیاد پیچیده نیستند. این کتاب تقدیم به کسانی می گردد که تازه به اسرائیل وارد می شوند و به کسانی که به مسئله فلسطین و اسرائیل اهمیت می دهند و می کوشند تا نوعی به حل مسئله نزدیک شوند. این داستان بسیار ساده و در عین حال وحشتناک است. داستان کشتار ساکنان اصلی این سرزمین و این جنایتی بر علیه بشریت است. اسرائیل کوشیده تا آنرا انکار و جهانیان را نیز وادار به انکار آن کند. زنده کردن این تاریخ که از اذهان بسیاری زدوده شده است وظیفه واجبی برای ماست. نه فقط برای تاریخ درستی که سالهای قبل باید نوشته می شد و یا بعنوان وظیفه تخصصی یک تاریخ نگار، بلکه من این را وظیفه ای اخلاقی برای خود می دانم.

اگر ما خواستار آنیم که به صلح فرصتی بدهیم، و مشکل ریشه دار مابین فلسطینیان و اسرائیلی ها را درک کنیم باید گامهای اولیه در این زمینه را برداریم.

آرشیو: احمد مزارعی

<http://www.farhangetowsee.com/archive%20hadi/Ar-ahmad%20e%20mazaree.htm>